



سخنرانی مقتدرانه امام در فرودگاه مهرآباد

بخشی از سخنان امام خمینی در فرودگاه به این شرح است: «من از عواطف طبقات مختلف ملت تشکر می‌کنم. عواطف ملت ایران به دوش من بار گرانی است که نمی‌توانم جبران کنم. من از طبقه روحانیون که در این قضایای گذشته جانفشانی کردند، تحمل زحمات کردند، از طبقه دانشجویان که در این مسائل مصایب دیدند، از طبقه بازرگانان و کسبه که در زحمت واقع شدند، از جوانان بازار و دانشگاه و مدارس علمی که در این مسائل خون دادند، از استادان دانشگاه، از دادگستری، قضات دادگستری، وکلای دادگستری، از همه طبقات، از کارمندان، از کارگران، از دهقانان و از همه طبقات ملت تشکر می‌کنم.

آن زحمت‌های فوق‌العاده شماسست که با وحدت کلمه پیروز شدید؛ البته در قدم اول، پیروزی شما... الان [در مرحله اول است] و آن اینکه خائن اصلی را که محمدرضا نام دارد، از صحنه کنار زدید. گرچه گفته می‌شود که در خارج از کشور به دست و پا افتاده است؛ و حالا که ارباب‌ها هم دست رد بر سینه او زده‌اند و او راه نمی‌دهند، حالا متوسل شده به بعضی همجنس‌های خودش، شاید بتواند باز راهی پیدا کند. و این یک خیال خامی است که بعد از پنجاه سال خیانت‌های این سلسله و بعد از سی و چند سال جنایات و خیانت‌های این شخص خائن به این مملکت، که مملکت ما را به عقب راند، مملکت ما را فرهنگش را فرهنگ استعماری کرد، زراعتش را به باد فنا داد، خزاینش را به باد

فنا داد، مملکت را ویران کرد و جندی او و ارتش او را تابع ارتش غیر کرد، تابع مستشاران غیر کرد و اینها تأسفاتی است که ما داریم و ملت ما دارند، [باز دیگر بتواند به قدرت باز گردد]. ما باید از همه طبقات ملت تشکر کنیم که این پیروزی تا اینجا به واسطه وحدت کلمه بوده است. وحدت کلمه مسلمین. همه، وحدت کلمه اقلیت‌های مذهبی با مسلمین. وحدت دانشگاه و مدرسه علمی، وحدت طبقه روحانی و جناح سیاسی. باید همه این رمز را بفهمیم که وحدت کلمه رمز پیروزی است؛ و این رمز پیروزی را از دست ندهیم و خدای نخواست. شیاطین بین صفوف شما تفرقه نیندازند. من از همه شما تشکر می‌کنم و از خدای تبارک و تعالی سلامت و عزت همه شما را طالب و از خدای تبارک و تعالی قطع دست اجانب و ایادی بسته به آنها را خواهان هستم.»



ماجرای بلیزر عجیب

محسن رفیق دوست راننده بلیزر حامل امام در خاطره‌ای تعریف کرد: «وضعیت خاصی پیش بینی کرده بودیم که من یک بلیزری که متعلق به یکی از برادران عزیزمان به نام حاج علی مجمع الصنایع بود را انتخاب کردم. برای این کار توسط خود او و البته فشاری که به کارخانه میرال آوردیم، کلیه شیشه‌های جلو، بغل و عقب را ضدگلوله کردیم. همچنین بدنه ماشین بخصوص قسمتی که امام نشستند را با فولاد تقویت کردیم.»

معضل مخفیگاه‌های فرودگاه مهرآباد

اکبر براتی از اعضای واحد حفاظت می‌گوید: «شنیده بودیم که فرودگاه مهرآباد مخفیگاه‌هایی دارد که جز مأموران ساواک از آن اطلاع ندارند. حتی شایع بود که این مکان‌های مخفی به یکی از مراکز ساواک راه دارد. برای همین وجب به وجب فرودگاه را بررسی کردیم... من که مسئولیت امنیت فرودگاه را بر عهده داشتم، مأمور شدم آنجا را بررسی کنم. برای هر چه بهتر انجام شدن کار نیاز به افرادی داشتم که با فرودگاه و مکان‌های مختلف آن آشنا باشند. برای همین آقای حاج مهدی عراقی فردی را به نام آقای والی که سروان بود به من معرفی کرد. کار را شروع کردیم به آقای والی گفتیم اینجا فرودگاه - راه‌های مخفی بسیاری دارد، من باید تمام آنها را ببینم و همه سوراخ سنبه‌های فرودگاه را بدهم، هر راهی که وجود دارد باید به من نشان بدهی. ایشان هم قبول کردند.»



میدان آزادی

میدان آزادی که وسعتی در حدود ۱۵ هزار مترمربع دارد، همان میدانی است که پذیرای تجمعات مردمی سال ۱۳۵۷ به مناسبت استقبال از امام خمینی به هنگام بازگشت از پاریس به تهران بود و همان استقبال نیز به سرنگونی حکومت پیشین انجامید.



خیرمقدم را چه کسی مقابل امام قرائت کرد؟

اسدالله بادامچیان روایت کرد: آنها (نهضت آزادی) معتقد بودند که در فرودگاه بهتر است فرزند یک شهید که البته منظور آنها فرزند یکی از مجاهدین بود، خیرمقدم بگوید و ما گفتیم که بهتر است یک دانشجو به عنوان نسل فرهیخته کشور بیاید و صحبت کند. اینها نتوانستند با این پیشنهاد مخالفت کنند و قرار شد یک دانشجو بیاید و صحبت کند. اینکه پیشنهاد آنها چه بود، همانند هر که را پیشنهاد کردند یا از نهضت آزادی بود یا از منافقین و جالب است که می‌گفتند منافقین را قبول نداریم، ولی این کارها را می‌کردند... بعد بحث شد درباره اینکه باید چه کسی باشد، چه کسی نباشد. من پیشنهاد دادم که پسر شهید صادق امانی (قاسم امانی) باشد چون هم دانشجو و هم پسر اولین شهیدی بود که شاه او را در این قضایا اعدام کرد، ضمن اینکه امام (ره) خیلی نسبت به مرحوم شهید امانی محبت داشتند، به اضافه اینکه وی خیلی بیان بالایی داشت و صدایش نیز بلند و هم این که مبارز و در صحنه بود. به همین علت من فکری کردم بهترین است.

هجوم مردم به بهشت زهرا (س)

حضور گسترده مردم و گردمایی مخالفان رژیم در سال ۱۳۵۷ در بهشت زهرا (س) و دفن شهدای انقلاب در آن، این قبرستان را به نمادی از عصیان و اعتراض ملت به رژیم شاهنشاهی بدل کرد. همین جایگاه باعث شد امام خمینی (ره) برای ادای احترام به تمام شهدای انقلاب اسلامی، بهشت زهرا (س)، را نخستین مقصد خود پس از ورود به ایران برگزیند و با وجود تأکید نزدیکان بر دشواری امر، پس از چهارده سال نخستین سخنرانی خود را در آنجا ایراد کند. جایگاه سخنرانی در قطعه ۱۷ شهدا تعیین شده بود.

